

شدم و بر رسول صلی الله علیه و سلم لاجل شدم و ما را برداشته دو ان  
می بود تا آن وقت که از بدبار گشتم و صلی رسیدیم باز گفتند بر او  
و بر آنست و بر فخر اقصمت کرد و از آنجا **انست** که در غزه بود  
پیش از آن که حرب تمام شود رسول صلی الله علیه و سلم بدت مبارک  
خود اشارت بر زمین کرد و می گفت این موضع مملکت ثلاث است این  
موضع مملکت ثلاث است پس مملکت بیج کس از آن موضع که تعیین  
کرده بود مختلف نکرد امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفته است سر کند  
بدان خدای که ویرا میخیزد فرستاد که از آن خطمها که کشیده بود و  
تعیین کرده بود در نکند شدند و بر همان جاها مملکت شدند و امیر  
المؤمنین علی رضی الله عنه گفته است که آن وقت که بمید آمدیم  
رسول صلی الله علیه و سلم خبر بدی بر رسید **و از آنجا انست** که چون  
مشترکان بیدر سوخته شدند جمعی از جوانان از ایشان بازماندند و در  
مکه در مصعب با هم فسانه می گفتند و انشاه را بر یکدیگر می خواندند  
ناگاه در آشنای آن آوازی شنیدند که کسی در نزدیکی ایشان چند  
بیت بلند خواندن گرفت که مضمون آن اخبار از نصرت جماعت  
حشیشیانی بود چون دنبال آن آواز برقتند بیج کس را نیافتند از آن  
بسیار ترساک شدند بجز آمدند جمعی بر آن آجا بودند صورت حال را  
باز نمودند گفتند اگر آنچه شما می گوید راست است حذر و احتیاط  
حقیقی می گویند چون از آن یک شب یاد و شب گذشت خبر اهل بدر

و کشیدند

و کشیدند مشرکان بجز آوردند **و از آنجا انست** که عقبه بن ابی  
معیط در مکه رفتی که رسول صلی الله علیه و سلم بجهت کرد این روایت است  
یا را که الناقه القصور ما جرتنا عقابا ترا فی راکب الغرس  
اعل ریحی فیکم تمم انهمک و السیف یاخذکم کل ملتین  
این شعر وی رسول صلی الله علیه و سلم رسید فرموده اللهم انک  
واصره روز بدبار وی سر کشی کرد یکی از اصحاب و را امیر  
گرفت و پیش رسول صلی الله علیه و سلم آورد بعد نمودنا و بر آن گردن  
زدند **و از آنجا انست** که رسول صلی الله علیه و سلم روز بدر با سید  
و یا زده تن از عاتق بعد اصحاب طلوت بیرون آمد پس ایشان را  
دعا کرد و گفت اللهم انهم ضلوا فاعلمهم اللهم انهم ضلوا فاعلمهم  
اللهم انهم ضلوا فاعلمهم اللهم انهم ضلوا فاعلمهم  
و دو نفر و سید پوشیده و سیر بودند **و از آنجا انست** که در شب  
سابق بروز حرب خواب و امنیت بر لشکر رسول صلی الله علیه و سلم  
غلبه کرد که هر چند می خواستند که بیدار باشند نمی توانستند بر سر  
الله عنده است خواب بر ما مسلط شد ما غایبی می خواستیم که نشینیم  
خواب را بر زمین انداخت و رسول صلی الله علیه و سلم و اصحاب وی  
نیز چنین بودند سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفته است خود را  
دیدم که توخ میزدان دویشان نمی بود تا ضری شد بر بملوئی افتادم  
و در ناخوابی رانح وضعی الله عنه گفته است چنان خواب بر من غلبه کرد که